

مسافران بهشت

خاطرات و زندگی نامه شهدای زردخسوثیه

طیبه کیانی (مینی)



۱۳۹۲

سرشناسه: کیانی، طیبه،

عنوان و نام پدیدآور: مسافران بهشت: خاطرات و زندگی‌نامه شهدای زردخسوثیه/ جمع‌آوری و تدوین طیبه کیانی.

مشخصات نشر: اصفهان: دارخوین، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۲-۲۴-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: خاطرات و زندگی‌نامه شهدای زردخسوثیه.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: ضیایی، رحمان، ۱۳۴۰ - ۱۳۶۵

موضوع: کاظمی، پرویز، ۱۳۴۱ - ۱۳۶۲

موضوع: مهدیزاده، علی، ۱۳۳۶ - ۱۳۶۱

موضوع: شهیدان -- ایران -- زرد خسوثیه

موضوع: شهیدان -- ایران -- زرد خسوثیه -- سرگذشتنامه

رده بندی تکره ۱۳۹۱ م ۵/۱۶۲۵ DSR

رده بندی دیویی ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۳۳۱۱



نشر دارخوین

مسافران بهشت

جمع‌آوری و تدوین: طیبه کیانی

ناشر: دارخوین [Logo] مدیرتولید: مهدی محمدی زردخسوثی

طراح جلد: سارا رضایی [Logo] صفحه‌آرا: حامد شاه‌مرادی [Logo] ویراستار: راضیه امیری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲ [Logo] شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۲-۲۴-۷ [Logo]

مرکز بخش: اصفهان، شهر دارخوین ۹۱۶۹۹۱۰۶۹۲ - ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰۲-۲۴-۷

NDarkhovin@Yahoo.Com

فهرست ...

۹	مقدمه
۱۲	سخنی با خواننده
	پیشگفتار
۱۵	معرفی روستای زردخسرو

بخش اول

۲۳	شهید رحمان ضیایی
۳۰	گلبرگ خاطره: از زبان مادر شهید
۴۳	گلبرگ زندگی: خاطرات از زبان همسر شهید رحمان ضیایی
۵۷	گلبرگ خاطره: خاطرات از زبان هم‌زم شهید، جواد محمدی
۷۵	گلواژه شهید: عروج ملکوتی و گلواژه شهید رحمان ضیایی

بخش دوم

۸۵	شهید پرویز کاظمی
۸۷	گلبرگ زندگی
۹۵	گلبرگ خاطره و عروج ملکوتی شهید پرویز کاظمی

بخش سوم

شہید علی مهدی زادہ..... ۹۷

عروج ملکوتی..... ۱۰۱

ضمیمہ

خاطرات از زبان برادر رزمندہ مهدی ضیائی.....

یخ‌هایی کہ آب شد..... ۱۰۳

آشپزخانہ و سردخانہ..... ۱۰۴

پاتک بہ ہدایا..... ۱۰۵

روح اللہ..... ۱۰۶

کلہ پاچہ..... ۱۰۷

تلافی..... ۱۰۹

ہدایای مردمی..... ۱۱۰

اهدای آمبولانس بہ جبهہ..... ۱۱۱

در قاب تصویر

مقدمه

شهداء گذشتند و گذاشتند

هر تپش قلب فریادی است از گذشتن و هر نفس گامی است به سوی مقصد. قافله عمر در حرکت است و آنچه در جاده زندگی می ماند ایمان است و عبادت و ایثار.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»^۱

«آن کسانی که به جهان غیب ایمان آورند و نماز را دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند»

آنانی که دیروز از جاده پر پیچ و خم زندگی گذشتند، ایمانی استوار و عبادتی خالی از نیرنگ و ریا داشتند. آنها ضربان قلب خویش را می شنیدند، گام هایی را می شمردند و با هر تپشی ذکری و با هر گامی تفکری در هستی داشتند که از کجا آمده اند و به کجا خواهند رفت.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ»*

«ای اهل ایمان از خدا بترسید به یاد خدا باشید. شکر نعمت‌هایش را به جای آورید و ثبات و ورزید تا وقت مرگ، جز به دین مبین اسلام نمرید»

آنها نه تنها باب جهاد اکبر و اصغر را به روی خود گشودند، بلکه حق جهاد را خوب اداء کردند.

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»*

«و برای خدا حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و نفس اماره) به جای آورید...»

ای همسفر، ای همشهری و ای جوانان و نوجوانان امروز و فردا و نسل‌های آینده، من و تو مسافر همین جاده‌ایم. جاده‌ای که قبل از من و تو، مسافران بهشت از آن گذشتند

آنهايي که از کثرت به وحدت رسیدند. زیرا آنچه از دنیا برداشتند، یکی بود و آنچه از دنیا می‌خواستند یکی. به همین خاطر پشت خاکریز ایستادند و پیشانی خود را بوسه‌گاه گلوله‌ها کردند. آنهايي که وسعت آسمان سقف‌شان بود و خاکجبهه‌ها بسترشان. آن‌قدر می‌خوردند که نافله شبشان قضا نشود و آن‌قدر برمی‌داشتند که مانع پروازشان نشود. آنها ناملایمات روزگار و بداخلاقی دیگران را کوچکتر از آن می‌دیدند که آنان را به خود مشغول کند. گذشتند و گذاشتند. بگذاریم و بگذریم!...

* سوره آل عمران آیه ۱۰۲.

۱۰ * سوره حج قسمتی از آیه ۷۸.

قافله عمر در حرکت است. آنچه در جاده زندگی می‌ماند، ایمان است و عبادت و ایثار. بیایید تپش قلبمان را گوش کنیم و پا جای پای مسافران بهشت بگذاریم. زیرا در غیر این صورت به افق شهدا وقفه گذاشتن و گذشتن است. خدایا یاریمان کن تا پیام‌رسان و ادامه‌دهندگان راهشان و تفکرشان باشیم.

بنابراین، در عصری که آمریکای جنایتکار و دشمنان سر سپرده اسلام تمام سعی و تلاششان بر این است که جوانان و نوجوانان ایران زمین را از راه دین و قرآن دور نمایند و اهداف امام خمینی^(ع)، شهدای کربلا و شهدای جنگ تحمیلی را کم‌رنگ کنند؛ وظیفه خود دانستیم تا خاطرات شهدای روستا را به رشته تحریر درآوریم، تا جوانان با تأثیرپذیری و الگوگرفتن از راه شهدا در مسیر زندگی گام‌های خود را یوسف‌وار بردارند و بدانند که دشمن در ازای هر گامشان، چاهی حفر کرده است و یا گرگی در لباس میش در کمین نشانده است. مطالعه زندگی این دلاورمردان می‌تواند چراغی در شب ظلمانی آنها باشد، چرا که امام خامنه‌ای مد ظله العالی فرمودند: با این ستاره‌ها می‌توان راه را پیدا کرد».

و الحق چه بسیارند گوهرهای به دست آمده از دریای دفاع مقدس که برای سرافرازی ایران و اسلام عزیز گنجینه‌های ماندنی شده‌اند و بی‌شمارند گوهرانی که در دل دریا مانده‌اند و هنوز دست غرامی به آنها نرسیده است. این از عنایات حضرت حق است که هر از گاهی در می‌نمایند تا بدانیم هنوز چیزی از این بی‌کران نمی‌دانیم!!

سخنی با خواننده

«از شهادت باکی نیست، شهادت ارثی است که از اولیاء الله به ما رسیده است».

امام خمینی (ره)

یکی از واژه‌هایی که توانست نقش حیاتی و محوری در سرنوشت اسلام و انقلاب اسلامی ایفاء نماید، همانا واژه ایثار و شهادت است که این مفهوم توسط رهبران انقلاب و در رأس آنها امام خمینی (ره) به خوبی تبیین گردید و به برکت همین مفاهیم بود که ملت ایران توانست در مقابل دشمنان خارجی قد علم نماید.

درباره شهید آن قدر از اسلام و اولیاء خدا روایات وارد شده که انسان متحیر می‌شود. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که اولین آن عبارت است از: «اولین قطره‌ای که از خون شهید بر زمین بریزد، تمام گناهی که کرده است آمرزیده می‌شود و آخرین آن این است شهید نظر می‌کند به «وجه الله» و این نظر به «وجه الله» آخرین درجه از کمال برای انسان است».

مجموعه‌ای که در پیش رو دارید خاطرات سه تن از شهدای عزیز و بزرگوار روستای زرد خشوئیه از توابع باغبهادران است که از طریق مصاحبه و همنشینی با خانواده‌های این عزیزان و گفت‌و شنود دربارهٔ فرزندان شهیدشان به رشتهٔ تحریر در آمده است. در این نوشتار سعی ما بر این است تا فرهنگ و نحوهٔ زندگی در روستا را به جوانان هدیه نماییم.

به همین خاطر قسمتی از خاطرات پدر و مادر شهید رحمان ضیایی و پرویز کاظمی را در بین خاطرات آوردیم، تا جوانان بدانند که پدران و مادران این شهدای بزرگوار چه سختی‌ها و چه مشقت‌هایی برای بزرگ کردن فرزندان‌شان کشیدند و چه گذشت‌هایی کردند و سرانجام آنها را تقدیم انقلاب اسلامی نمودند تا با ریختن خون پاک و مطهرشان اسلام زنده ماند و چراغ راه جوانان این مرز و بوم باشند. در پایان از همکاری صمیمانه تمامی عزیزانی که ما را در تهیهٔ این اثر یاری نمودند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

طیبه کیانی (مینیایی)

۱۳۹۱/۱۲/۱